Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, Vol. 22, No. 4, Winter 2026, Serial Number 54

A Meta-Analysis of Factors Underpinning Recidivism (Return to Prison) in Iran

Simin Afshar[1]
PhD in Sociology, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Pooneh Arvaneh
M.Sc. in General Psychology, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

Received: 17 February 2024 Revised: 1 June 2024 Accepted: 4 July 2024

Abstract

In addition to the exorbitant economic costs imposed on society, incarceration of offenders has deleterious effects on the individual's psychological, social, economic, and familial status, thereby giving rise to a raft of new social issues. Consequently, one of the primary objectives of punishment is the rehabilitation of offenders to prevent re-offending. As a manifestation of social harm, recidivism has elicited diverse responses from societies. This study aims to investigate the factors underpinning recidivism in Iran. The research method employed is a meta-analysis. The statistical population comprises studies on recidivism and return to prison in Iran published between 2005 and 2021. Sampling was based on relevance, suitability, and eligibility (purposive sampling). Accordingly, 37 studies were selected for analysis. After coding, data analysis was conducted using the Comprehensive Meta-Analysis software (CMA2). The findings suggest that the most important variables affecting recidivism and return to prison in Iran are as follows: economic factors (0.42), family factors (0.39), social factors (-0.37), psychological factors (0.32), physical-environmental factors (0.31), post-release care factors (-0.30), cultural factors (-0.27), identity factors (0.11), and demographic factors

1. Corresponding Author. Email: Simin_afshar@yahoo.com

©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/

How to cite this article: Afshar, S. and Arvaneh, P. (2026). A Meta-Analysis of Factors Underpinning Recidivism (Return to Prison) in Iran. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 22(4), 1-35. Doi: 10.22067/social.2024.85268.1447

(-0.3). In this regard, key strategies for preventing recidivism and return to prison include providing employment opportunities and facilities for those previously convicted of crimes, providing empowerment and educational programs for offenders, delivering post-release services (financial support, housing, health and psychological services, as well as job opportunities), improving prison conditions, and setting up a favorable environment for empowering prisoners.

Keywords: Social Pathologies, Return to Prison, Recidivism, Prison, Meta-Analysis.

https://doi.org/10.22067/social.2024.85268.1447
مقالهٔ پژوهشی

فراتحلیل عوامل مؤثر بر تکرار جرم (بازگشت به زندان) در ایران

سیمین افشار (دانش‌آموختهٔ دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، نویسندهٔ مسئول)
simin_afshar@yahoo.com

پونه اروانه (دانش‌آموختهٔ کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران)
pooneh.arvaneh@gmail.com

چکیده

نگهداری یک مجرم در زندان علاوه بر هزینه‌های کلان اقتصادی که برای جامعه به همراه دارد؛ تأثیرات مخربی بر وضعیت روانی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی مجرم می‌گذارد و موجب مسائل جدیدی در جامعه می‌شود. بنابراین، یکی از اهداف مجازات، اصلاح مجرم به‌نحوی است که مجدداً مرتکب جرم نشود؛ چرا که تکرار جرم به‌عنوان یکی از مظاهر آسیب‌های اجتماعی، جوامع مختلف را به موضع‌گیری‌های متنوعی واداشته است. در این راستا، هدف پژوهش حاضر مطالعهٔ عوامل مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت به زندان در ایران است. روش پژوهش به کار گرفته شده در تحقیق حاضر، فراتحلیل است و جامعهٔ آماری آن را تحقیقات انجام شده با موضوع تکرار جرم و بازگشت به زندان در ایران طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۴۰۰ تشکیل داده‌اند. نمونه‌گیری براساس شایستگی و مناسب بودن و مشمول بودن (هدف‌مند) انجام گرفت و ۳۷ تحقیق برای بررسی انتخاب شد. برای تجزیه‌وتحلیل اطّلاعات گردآوری‌شده، پس از کدگذاری، از نرم‌افزار جامع فراتحلیل (CMA2) استفاده شد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که به‌ترتیب بیشترین متغیرهای تأثیرگذار بر تکرار جرم و بازگشت به زندان در ایران عبارتند از: عوامل اقتصادی (۰/۴۲)، عوامل خانوادگی (۰/۳۹)، عوامل اجتماعی (۰/۳۷-)، عوامل روانی (۰/۳۲)، عوامل کالبدی- محیطی (۰/۳۱)، عوامل مراقبتی پس از خروج (۰/۳۰-)، عوامل فرهنگی (۰/۲۷-)، عوامل هویتی (۰/۱۱)، عوامل جمعیتی (۰/۳-). دراین‌راستا، تأمین امکانات و فرصت‌های شغلی برای افرادی است که در گذشته به ارتکاب جرم متهم شده‌اند، ارائهٔ برنامه‌های توانمندسازی و آموزشی به مجرمان، ارائهٔ خدمات پس از آزادی به مجرمان (پشتیبانی مالی، مسکن، خدمات

نشریهٔ‌علوم‌اجتماعی دانشگاه‌فردوسی‌مشهد، سال‌بیست ودوم، شماره۴، زمستان ۱۴۰۴، شماره‌پیاپی۵۴، صص ۳۵-۱
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲ تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۰۴/۱۴

بهداشتی و روان‌شناختی و همچنین فرصت‌های شغلی)، بهبود شرایط زندان‌ها و فراهم کردن بستر مناسب برای توانمندسازی زندانیان از مهم‌ترین راهکارهای جلوگیری از تکرار جرم و بازگشت به زندان هستند.
واژگان کلیدی: آسیب‌های اجتماعی، بازگشت مجدد به زندان، تکرار جرم، زندان، فراتحلیل.

۱. مقدمه

برقراری امنیت عمومی و نظم جامعه و حفظ حقوق شهروندی در برابر تجاوز و تهدیدهای اجتماعی افراد نابهنجار، همواره به‌عنوان یکی از دغدغه‌های مهم متصدیان نظام عدالت قضایی بوده که در این راستا، اعمال مجازات زندان به‌عنوان یکی از آسان‌ترین راهکارهای مقابله با این تجاوزات و تهدیدها در نظر گرفته شده است (مهرپور، ۱۳۸۷، ص ۵۴). این راهکار ساده به نوبهٔ خود، مسائل دیگری از جمله ازدحام و بالا رفتن تراکم افراد زندانی در زندان‌های کشور را موجب شده است. در واقع، امروزه نه‌تنها در ایران که در بسیاری از کشورهای دیگر نیز ازدحام جمعیت زندان‌ها مشکلاتی جدی ایجاد کرده به‌گونه‌ای که به انحاء مختلف دستاوردهای تأدیبی، اصلاحی و تربیتی را تحت‌الشعاع خود قرار داده و هزینه‌های گزاف، اختلال در نظم عمومی زندان‌ها، درگیری، شورش، اعتصاب و نظایر آنها را به ساختار مدیریتی و کنترلی جرایم تحمیل کرده است (ناصری و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۸).

در اکثر مواقع افرادی که مرتکب بزهکاری و جرم می‌شوند، از حیث کار، تحصیل، تشکیل خانواده و نظایر آنها فرصت‌های جبران‌ناپذیری را از دست می‌دهند. وجود چنین سابقهٔ نامطلوبی، در زندگی آیندهٔ آنها نیز تأثیر بسیاری دارد. این قبیل افراد معمولاً از طرف جامعه، خانواده، دوستان، نهادهای غیررسمی و رسمی طردشده و امکان بازگشت آنها به‌عنوان یک فرد عادی به جامعه با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شود (کفاشی و اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۵۸). در این راستا، مطالعات و تحقیقات نیز نشان می‌دهند که رویه‌ها و تجارب مربوط به خود زندان، برای بسیاری از زندانیان به دلیل تجربیات منفی که از محیط زندان کسب می‌کنند، مخرب و ناامیدکننده است، زیرا کافی نبودن

اقدامات اصلاحی و بازپروری زندانیان به معنای آن است که آنها به هنگام ترک زندان در مقایسه با زمان ورودشان آمادگی بیشتری برای ارتکاب مجدد جرم پیدا می‌کنند (حاتمی‌خواجه، ۱۳۸۶، ص ۹۵).

هرچند براساس رویکردهای سه‌گانه در زمینهٔ تأثیرگذاری زندان بر زندانیان (شامل؛ تأثیر بازدارندهٔ زندان بر کاهش جرم؛ تأثیر صرفاً حاشیه‌ای و حداقلی زندان بر کاهش جرم؛ و عدم تأثیر و حتی تأثیر منفی زندان بر کاهش جرم)، مطالعات از نوع فراتحلیل موجود در این زمینه (گندرو و همکاران، ۱۹۹۹) نشان داده‌اند که زندان نه‌تنها نقش کنترلی در کاهش جرایم ندارد، بلکه حتی موجب می‌شود برخی از مجرمان زندانی شده غیرحرفه‌ای در ادامه به دلیل قرار گرفتن در معاشرت با مجرمان حرفه‌ای در داخل زندان، نرخ بازگشت‌شان به زندان حتی به شکل نسبی افزایش نیز پیدا کند. جامعهٔ بین‌الملل به‌ویژه جوامع پیشرفته به این نتیجه رسیده‌اند که زندان نمی‌تواند در کاهش جرم و بزهکاری نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. بارها اعلام شده که حتی زندان در عمل به مدرسهٔ آموزش جرم تبدیل شده است (آشوری، ۱۳۹۴، ص. ۴۵). با افزایش میزان زندانیان در زندان‌ها، کانون‌های اصلاح و تربیت، سازمان زندان‌ها، نیروی انتظامی و دیگر سازمان‌های متولی جرایم در کشور مجبورند وقت و هزینه‌های بیشتری صرف مدیریت چنین آسیب‌های اجتماعی نمایند. این در حالی است که با اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه، به جای رویکردهای مقابله‌ای با جرایم، می‌توان از هزینه‌های مادی و انسانی مربوطه به مقابله با جرایم کاست و منابع را در مسیر آموزش و تربیت عملی و علمی مجرمان به کار بست که هم از لحاظ فردی و هم از لحاظ اجتماعی مفیدتر و انسانی‌تر خواهد بود (ترود و همکاران، ۲۰۲۲). در همین راستا، متولیان امر بر ضرورت چنین اقداماتی توجه نموده و تأکید می‌کنند که باید از طریق آنها جمعیت زندانیان و نرخ بازگشت به زندان را کاهش داد.

هرچند نرخ قابل ملاحظه تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در تمامی کشورها مسئله است و صرفاً مختص کشور ما نیست (حیدری، ۱۳۸۹، ص. ۹)، به‌هرحال اطلاعات موجود نشان می‌دهد

اکثریت افرادی که یک‌بار (و برای اولین بار) زندانی می‌شوند، بازگشت‌شان به جامعه مشکل شده و مجدد دچار جرم شده و به زندان مراجعت می‌نمایند (صنعت‌خواه و همکاران، ۱۴۰۰؛ روشن‌پور و همکاران، ۱۳۹۹)، به‌طوری که در سال‌های اخیر میزان بازگشت به زندان در کشور ۴۶ درصد اعلام شده است.

ازجمله اقدامات علمی مهم برای مدیریت مسئلهٔ تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان با رویکرد پیشگیرانه، می‌تواند شناسایی عوامل زمینه‌ساز و مساعدکنندهٔ شرایط برای چنین تجربه‌ای باشد (جاکوبز و همکاران، ۲۰۲۲). بی‌تردید مثل هر تجربهٔ انسانی و اجتماعی دیگر، بازگشت مجدد به زندان نیز تحت تأثیر عوامل عدیدهٔ فردی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی و نظایر آنها است (اورلاندو و همکاران، ۲۰۲۳). در سال‌های اخیر تحقیقات متعددی در زمینهٔ تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در ایران انجام شده است، اما ناآگاهی و عدم شناخت کافی از این پدیدهٔ اجتماعی باعث شده است که برنامه‌ریزان و سیاستگذران سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور نتوانند از بروز این‌گونه رفتارها پیشگیری کنند. همچنین، نتایج حاصله از تحقیقات در زمینهٔ تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان به دلیل تنوع اهداف پژوهش، جامعهٔ آماری و نمونه‌های مورد بررسی، دوره‌های زمانی بررسی شده، رویکردهای نظری مورد استفاده و غیره، نارسا، مبهم و غیرکاربردی‌اند و قضاوت در این حیطه را با نوعی پیشداوری مواجه ساخته‌اند. بنابراین، انجام فراتحلیل در زمینهٔ بازگشت مجدد به زندان می‌تواند نتایج پراکندهٔ تحقیقات در این حوزه را به یکدیگر مرتبط کند و با ارائهٔ راهکارها به حل مسائل در این حوزه یاری رساند. در واقع، بهره‌گیری از اصول و فنون فراتحلیل این امکان را مهیا خواهد نمود تا جمع‌بندی مشخصی از یافته‌های تحقیقات صورت گرفته در مورد تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان حاصل شود. علاوه بر این، «فراتحلیل با محاسبهٔ اندازهٔ اثر متغیرهای مختلف می‌تواند نقطهٔ اتصال مطالعات را شناسایی کند و آنها را منسجم‌تر کرده و به یکپارچگی

دانش در این زمینه یاری رساند» (پترسن و همکاران، ۲۰۲۳). براین اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر، فراتحلیل عوامل مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در ایران است.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲ .۱. پیشینهٔ پژوهش

همان‌طور که در بالا گفته شد، پژوهش‌های زیادی در مورد تکرار جرم و بازگشت به زندان در ایران و خارج از کشور انجام شده است. مهدوی و پاکیده (۱۳۸۷) در مطالعهٔ خود نشان دادند بین عوامل فردی از قبیل سن، جنس، تحصیلات، شغل و بازگشت مجدد به زندان رابطه وجود دارد. همچنین بین میزان اعتماد اجتماعی، عدم پذیرش در خانواده و عدم پذیرش توسط محیط اجتماعی رابطهٔ معکوسی وجود دارد. یافته‌های کفاشی و اسلامی (۱۳۸۸) بیانگر آن است که برای پیشگیری و کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد آزاد شده به زندان می‌توان با اجرای اصولی و استاندارد تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان در زندان‌ها، بهبود وضعیت اسکان و نگهداری و نوع خدمات‌دهی مؤثر به آنها، حذف برچسب رسمی و غیرسمی از زندانیان آزاد شده، عرضهٔ خدمات مؤثر و کنترل از طریق مرکز مراقبت بعد از خروج، پذیرش زندانیان آزاد شده در میان خانواده، دوستان و نهادهای رسمی و غیررسمی و جلوگیری از طرد آنان اقدامات مؤثری انجام داد. یافته‌های احمدی (۱۳۹۰) نشانگر آن است که دو متغییر پایگاه اقتصادی- اجتماعی و گسست در خانواده بیشترین تأثیر را بر میزان بازگشت به زندان دارند. قلخانباز و همکارانش (۱۳۹۱) در تحقیقی نشان دادند که محل سکونت (غیربومی شهرستان و استیجاری بودن منزل)، سابقهٔ ارتکاب جرم در دوستان، مصرف مواد قبل از زندان، سن در اولین ارتکاب جرم با تکرار زندانی شدن رابطهٔ معنی‌داری دارند. یافته‌های بوستانی (۱۳۹۱) بیانگر آن است که وضعیت اقتصادی زندانی قبل از زندان، پیوند فرد با دیگران، احساس کنترل و نظارت و اولین سن ورود به زندان با متغیر تکرار جرم رابطهٔ معکوس معنی‌داری دارد، اما تبادل تجربه‌ها در زندان (یادگیری) و طرد اجتماعی با متغیر تکرار جرم رابطهٔ معنی‌دار

مستقیم دارند. همچنین تفاوت معناداری در تکرار جرم بین سطوح مختلف تحصیلی وجود دارد. یافته‌های حیدری و همکارانش (۱۳۹۲) بیانگر آن است که بین میزان تحصیلات پاسخگویان و میزان تحصیلات پدر و مادر با تکرار جرم تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین عدم حمایت خانواده، آموزش فنون در زندان، میزان امیدواری، امکانات موجود در زندان و یادگیری جرایم در زندان و تکرار جرم رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد. یافته‌های شیخ‌نظر سلامی و همکارانش (۱۳۹۳) نشان داد که وجود والدین معتاد و سوء مصرف نوجوانان بزهکار موجب بازگشت مجدد و تکرار جرم آنها می‌گردد. یافته‌های ثنایی و میرخلیلی (۲۰۱۵) بیانگر آن است که بیماری‌های جسمی و روانی، جدایی والدین، درآمد پایین، بیکاری، زندگی در مسکن اجاره‌ای، عدم پذیرش در جامعه و خانواده، عدم استفاده از خدمات حمایتی و مشاوره‌ای بعد از آزادی از زندان، از جمله عوامل فردی، اجتماعی، قانونی و قضایی مؤثر بر بازگشت مجدد به زندان هستند. یعقوبی و علمی (۱۳۹۶) نشان دادند که بین میزان پذیرش جامعه، پذیرش خانواده، دارا بودن مهارت شغلی، میزان برچسب‌زنی از سوی دیگران با بازگشت مجدد به زندان رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد. یافته‌های ناصری و همکارانش (۱۳۹۷) بیانگر آن است که بین حمایت اجتماعی (حمایت دوستان و در کل حمایت اجتماعی)، کنترل و نظارت اجتماعی، مشارکت اجتماعی زندانیان و عدم بازگشت زندانیان به زندان رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد بین دینداری، حمایت اجتماعی (بعد حمایت خانواده و افراد جامعه) و مشکلات روحی رابطهٔ معنی‌داری وجود ندارد. مهدی‌پور و همکارانش (۱۴۰۰) در مطالعهٔ خود نشان دادند که متغیرهای محیط نامناسب زندان، محلهٔ نامناسب، طرد اجتماعی، توجیه عمل مجرمانه و یادگیری رفتار انحرافی رابطهٔ مثبت و مستقیمی با تکرار جرم دارند. این در حالی است که متغیرهای حمایت اجتماعی، کنترل اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطهٔ منفی و معکوسی با تکرار جرم زندانیان داشته‌اند. همچنین سه متغیر محلهٔ نامناسب، طرد اجتماعی و کنترل اجتماعی به‌ترتیب بالاترین تأثیر را بر تکرار جرم داشته‌اند.

یافته‌های گوم[1] و همکارانش (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای در خصوص بازگشت به زندان در بین بزرگسالان، بیانگر آن است که در زندان‌ها مداخلات توانبخشی با تأخیر ارائه می‌شوند و بیشتر مواقع این مداخلات موفقیت‌آمیز نیستند. یکی از عواملی که نشان می‌دهد مداخلات توانبخشی موفقیت‌آمیز نیستند، سوءمصرف مواد مخدر است. به نظر آنها افزایش خدمات و منابع انسانی نقش بسیاری مهمی در توانمندسازی زندانیان و عدم بازگشت آنها به زندان دارند. یافته‌های برانتون اسمیت و هاپکینز[2] (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که اعتیاد به مواد مخدر، محل اقامت، عدم اشتغال، نگرش و رفتار در زندان، گریز از مدرسه در دوران کودکی، سابقهٔ جرم و محکومیت نقش مؤثری در ارتکاب جرم و بازگشت مجدد به زندان دارند. محمد و وان محمد[3] (۲۰۱۵) در پژوهشی نشان دادند زندانی‌هایی که در اکثر برنامه‌های آموزشی زندان ثبت‌نام کرده بودند، در مقایسه با افرادی که در برنامه شرکت نکرده بوند، دوره‌های بازداشتی کمتری داشتند. زندانیان که در زندان مهارت‌های آموزشی لازم را یاد می‌گیرند بعد از آزادی راحت‌تر در جامعه پذیرفته می‌شوند. یافته‌های استاتون تیندال[4] و همکارانش (۲۰۱۶) نشان می‌دهد افراد در مناطق شهری ۲/۴ برابر بیشتر از افراد در مناطق روستایی احتمال دارد که دوباره مرتکب جرم شوند و به زندان بازگردند. بااین‌حال در مناطق شهری و روستایی عوامل مشابهی وجود دارند که افراد را برای بازگشت به زندان مهیا می‌سازند. از جمله این عوامل می‌توان به سن، جنس، نژاد، بیکاری و مصرف مواد مخدر اشاره نمود. یافته‌های تاسونی[5] و همکارانش (۲۰۱۶) بیانگر آن است که استعمال مواد مخدر همچون متابولیت‌ها، کوکائین، مرفین و... در بین افرادی که از زندان آزاد شده‌اند و موقع رانندگی دستگیر می‌شوند، یکی از عواملی است که منجر به بازگشت مجدد به زندان می‌شود. یافته‌های مؤسسهٔ آی‌سی‌آی‌سی[6] (۲۰۱۸) درخصوص تأثیر برنامه‌های کارآفرینی زندان

1. Gaum
2. Brunton-Smith & Hopkins
3. Mohammed & Wan Mohamed
4. Staton-Tindall
5. Tassoni
6. ICIC

بیانگر آن است که این برنامه‌ها از طریق ایجاد فرصت‌های اقتصادی مناسب برای زندانیان نقش بسیار زیادی در کاهش میزان بازگشت به زندان دارند (به نقل از زین و همکاران، ۲۰۲۳). همچنین یافته‌های مؤسسهٔ سی‌ای‌آ[1] (۲۰۱۸) بیانگر آن است که برنامه‌هایی که توسط زندان‌ها در زمینهٔ کاهش بازگشت زندانیان به زندان انجام می‌شوند، بیشتر باید بر زندانیانی تمرکز کنند که مشکلات روانی دارند و یا مبتلا به مواد مخدر هستند، تا با شناسایی این افراد و انجام برنامه‌های بازپروری، مددکاری و توانبخشی بتوانند از ارتکاب مجدد جرم بعد از آزادی جلوگیری نمایند (به نقل از زین و همکاران، ۲۰۲۳).

در یک جمع‌بندی مختصر از تحقیقات صورت گرفته می‌توان گفت که پژوهش‌های بررسی شده به مطالعهٔ رابطهٔ بسیاری از عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... با تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان پرداخته‌اند که یافته‌های آنها بعضاً در تضاد با هم قرار دارند. انجام فراتحلیل در این زمینه می‌تواند یافته‌های پراکنده و متضاد پژوهش‌های این حوزه را یکپارچه کند و به انسجام دانش در این حوزه کمک نماید.

۲ .۲. رویکردهای نظری

ارتکاب مجدد جرم به‌عنوان یک موضوع حقوق کیفری عبارت از بازگشت یک فرد به ارتکاب رفتار جنایی است، بعد از این که او به علت ارتکاب جرم پیشین محکوم، مجازات و (به فرض) اصلاح شده است. چنین پدیده‌ای بیانگر سلسله‌ای از ناتوانی‌ها و کاستی‌هاست. از جمله بیانگر قصور فرد در انتخاب رفتاری موفق انتظارات جامعه، یا قصور او در مقاومت در برابر ارتکاب جرم، قصور او به‌عنوان یک مجرم جهت گریز از توقیف و محکومیت، ناتوانی فرد به‌عنوان یک مددجوی نهادهای اصلاح و تربیت جهت بهره‌مندی از برنامه‌های اصلاحی و تربیتی آنها، یا ناتوانی و قصور چنین نهادهایی جهت تمهید برنامه‌های بازپروری و همچنین بیانگر قصور فرد در قالب استمرار فعالیت مجرمانه پس از آزادی است (غلامی، ۱۳۸۷، ص. ۴۴).

1. CEA

از نظر قانونی، تکرار جرم همانند اکثر مفاهیم حقوق کیفری دارای تعریف اعتباری است و همین ویژگی وجه ممیز تکرار از تعدد جرم به حساب می‌آید و براساس آن پاسخ به این پرسش که تکرار جرم چیست و تکرارکنندهٔ جرم کیست، با در نظر گرفتن معیارها و متغیرهای گوناگونی که از سوی قانون‌گذاران مورد توجه قرار گرفته است، تفاوت دارد. در اینجا به برخی از متغیرهایی که پذیرش آنها موجب ایجاد تعاریف متعدد از تکرار جرم و تکرارکنندگان آن شده است، اشاره می‌شود:

الف) تکرار جرم حالت کسی است که محکوم به مجازات حبس شده، درحالی که پیش از آن نیز سابقهٔ یک‌بار یا بیشتر تحمل چنان مجازاتی را داشته است.

ب) تکرار جرم حالت کسی است که سابقهٔ محکومیت به یک جنایت یا بیشتر و اکنون نیز به‌خاطر ارتکاب جنایت محکوم شده است.

ج) تکرار جرم حالت کسی است که مرتکب جرم خاص یا یکی از جرایم خاص شده، درحالی که قبلاً محکومیت به ارتکاب یکی از این جرایم یا جرم مشابه را داشته است.

د) تکرار جرم حالت کسی است که پس از محکومیت به ارتکاب یک جرم جنحه‌ای مرتکب جرم جنحه‌ای دیگر شده است (وروایی و پرنداخ، ۱۳۹۵، ص. ۶-۵).

در تعریف بازگشت به زندان باید چنین گفت که جرم نوعی انحراف از هنجارهای اجتماعی است که به‌طور رسمی مهم تلقی شده و زندانیان کسانی هستند که از هنجارهای رسمی و قانونی تخطی کرده‌اند. اعتقاد بر این است که این جامعه است که شرایط را برای بروز جرم و ناهمواری‌های اجتماعی فراهم می‌سازد، بنابراین باید برای بازدارندگی مجرمان راه‌حلی در جامعه جستجو کرد. ارتکاب جرم دو مسئلهٔ مهم را مطرح می‌کند: یکی ارتکاب اولیهٔ جرم و دیگری تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان (بهروان و بهروان، ۱۳۹۰، ص. ۳۴). بازگشت به زندان شامل حال افرادی است که با حضور طولانی در زندان ارتباط اجتماعی او کاملاً قطع شده و نسبت به تحولات دنیای بیرون ناآشنا می‌ماند و در عوض با محیط دوستان و تحولات درون زندان آشنا شده و به‌شدت به هنجارهای زندان وابسته

می‌شود. با طرح این موضوع و واقعیت‌های دیگر که در طول حضور زندانی در زندان بروز می‌کند و به جای اینکه زندانی در هنگام آزادی شور و اشتیاق و علاقه به خروج از زندان داشته باشد، التهاب و اضطراب ورود به جامعه او را در برمی‌گیرد. برای افرادی که فاقد پشتوانه برای حضور در اجتماع هستند، روزهای آخر آزادی با التهاب و اضطراب شدید همراه است؛ چراکه زندانی مرتباً از خود می‌پرسد کجا باید رفت؟ چگونه باید آغاز کرد؟ آیا خانواده و جامعه او را پذیرا هستند؟ برای همین امر است که در زندان‌ها بعضاً به جبر مسئولین زندانی آزاد می‌شود و در موارد زیادی افرادی هستند که پس از آزادی از زندان در کمتر از یک هفته و حتی ۴۸ ساعت با ارتکاب جرم ناچیز زمینهٔ حضور خود را در زندان فراهم می‌نمایند (یعقوبی و علمی، ۱۳۹۶، ص. ۱۵-۱۴).

رویکردهای نظری مختلفی برای تبیین پدیدهٔ بازگشت به زندان وجود دارد. یکی از این رویکردها، رویکرد جامعه‌شناختی است که براساس آن، بازگشت به زندان به‌عنوان یک پدیدهٔ اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این رویکرد تلاش دارد تا عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بازگشت به زندان را مورد بررسی قرار دهد و نقش این عوامل را در تبیین این پدیده مورد بررسی قرار دهد. برچسب‌زنی اجتماعی و پذیرش اجتماعی از مهم‌ترین نظریه‌های این حوزه هستند.

مطابق این دیدگاه، زمانی که برچسب کجرو و مجرم بودن به‌طور موفقیت‌آمیز بر فرد وارد می‌شود و هنگامی که عمل برچسب‌زنی صورت می‌گیرد، داغ ننگ یا بدنام کردن نیز اتفاق می‌افتد. برای نمونه یک برچسب منفی ممکن است تحت عنوان بزهکاری نوجوان معرفی شود. آن هم تنها به این خاطر که ادعا شده است وی کالایی را از یک مغازه دزدیده است و با وارد آمدن برچسب منفی، نام فرد مورد نظر در معرض لکه‌دار شدن قرار می‌گیرد، بنابراین افراد دیگر در برابر آن شخص، با توجه به عنوان برچسبی که به او زده‌اند، بدون توجه به این‌که آن فرد در حقیقت امر و در زندگی واقعی خود چه رفتاری را انجام می‌دهد و دارای چه قابلیت‌های مثبت دیگری است، واکنش نشان می‌دهند. در طول زمان، اگر یک برچسب منفی به فردی اطلاق شود، این امکان وجود دارد که فرد به برچسب

جدید خود اعتقاد پیدا کند و حتی هویت خود را تغییر دهد تا متناسب با این برچسب جدید گردد (برنبورگ، ۲۰۱۹). پس یکی از نتایج برچسب‌زنی و بدنام کردن این است که برخی افراد که به‌صورت نادرستی برچسب خورده‌اند، نه‌تنها بعدها دست به کارهای مجرمانهٔ بعدی می‌زنند، بلکه به دنبال این هستند که مایهٔ تسلی‌خاطر خود را در همراهی و مشارکت با دیگران یعنی اشخاصی که به همین صورت مانند آنها تحت عنوان غریبه متمایز گشته‌اند پیدا بکنند. یکی دیگر از نتایج برچسب‌زنی این است که برای افرادی که همانند یکدیگر و تحت یک عنوان برچسب خورده‌اند انگیزه و محرکی ایجاد می‌کند تا بتوانند راحت‌تر با همدیگر ارتباط برقرار کنند که این ارتباط اغلب به شکل پیدایش بزهکاران یا خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه است (برنبورگ و همکاران، ۲۰۰۶).

نظریهٔ عدم پذیرش اجتماعی یکی از نظریه‌های مهم در زمینهٔ رفتار انسانی است که توسط جیلینگر و ترافیسانو[1] در سال ۱۹۷۷ مطرح شد. این نظریه بر این اصل تأکید دارد که انسان‌ها در شرایط خاصی قرار گرفته و به دلایل مختلفی مانند فقدان اعتماد به دیگران، تجربهٔ ناکامی‌های مکرر، یا فشارهای اجتماعی، قادر به پذیرش نیستند و از جامعهٔ اطراف خود دوری می‌جویند. افرادی که تحت تأثیر عدم پذیرش اجتماعی قرار گرفته‌اند، نه‌تنها از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی خودداری می‌کنند، بلکه ممکن است به‌صورت فعال از جامعه اطراف خود نیز دوری کنند و رفتارهای ضداجتماعی از خود نشان دهند. تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان نیز در بسیاری از موارد نتیجهٔ طبیعی طرد یا عدم پذیرش اجتماعی فرد در خانواده و جامعه است. به عبارت دقیق‌تر، زندان در بسیاری از موارد به‌عنوان یک فضای سخت و نامطلوب برای زندگی فرد مورد نظر شناخته می‌شود. بنابراین، در صورت عدم پذیرش اجتماعی و دوری فرد از جامعه، بازگشت مجدد به زندان به‌عنوان گزینه‌ای جایگزین برای فرار از فشارهای اجتماعی و رفع تنهایی در نظر گرفته می‌شود (امبابا، ۲۰۱۲).

1. Jilinger & Trafisano

رویکرد دیگری که در حوزهٔ بازگشت مجدد به زندان مورد استفاده قرار می‌گیرد، رویکرد رفتارشناسی است. این رویکرد تلاش دارد تا با تأکید بر رفتار مجرمانه و عوامل فردی و شخصیتی، عوامل مؤثر بر بازگشت به زندان را تبیین کند. رویکرد رفتارشناسی در حوزهٔ بازگشت مجدد به زندان به دنبال شناسایی عوامل مختلفی است که ممکن است بازگشت به زندان را تحت تأثیر قرار دهند. این عوامل می‌توانند شامل عوامل فردی مانند سطح تحصیلات، سابقهٔ جنایی، وضعیت اقتصادی و همچنین عوامل اجتماعی و فرهنگی مانند حمایت اجتماعی، فرصت‌های شغلی، وضعیت خانوادگی و فرهنگ جامعه باشند (باومن و تراویس، ۲۰۱۲). عوامل روان‌شناختی مانند ناتوانی در مدیریت هیجانات، ناتوانی در حل مسائل و تصمیم‌گیری و ناتوانی در برقراری روابط اجتماعی نقش مهمی در بازگشت مجدد به زندان دارند. از منظر این رویکرد، افرادی که از مهارت‌های مدیریت هیجانات برخوردار نیستند ممکن است در مواجهه با فشارهای روزمره و مشکلات اجتماعی، به‌راحتی به رفتارهای ناپسند یا خشونت‌آمیز دچار شوند که این موضوع می‌تواند منجر به وقوع جرم و جنایت دوباره شود. همچنین، ناتوانی در حل مسائل و تصمیم‌گیری نیز می‌تواند بازگشت به جامعه را دچار مشکل کند. افرادی که قادر به تصمیم‌گیری صحیح و حل مسائل به‌درستی نیستند، ممکن است در مواجهه با چالش‌های زندگی روزمره، به تصمیم‌های نادرست و ناپسند دست پیدا کنند که این موضوع نقش مهمی در بازگشت آن‌ها به جامعه دارد. علاوه بر این، برقراری روابط اجتماعی نیز یک عامل بسیار حائز اهمیت در بازگشت به جامعه پس از زندان است. افرادی که ناتوان در برقراری و حفظ روابط اجتماعی هستند، ممکن است با مشکلات بیشتری در جامعه روبه‌رو شوند و احساس تنهایی و عدم تعلق به جامعه، آن‌ها را به رفتارهای ناسالم و خطرناک سوق دهد (آپل و دیلر، ۲۰۱۷).

رویکرد اقتصادی از دیگر رویکردهایی است که در حوزهٔ بازگشت مجدد به زندان مورد استفاده قرار می‌گیرد. رویکرد اقتصادی به تحلیل رفتارهای انسانی از منظر اقتصادی می‌پردازد و سعی دارد با استفاده از مدل‌ها و نظریه‌های اقتصادی، رفتارهای انسانی را توضیح دهد. در این رویکرد، فرض

بر این است که انسان‌ها به دنبال حداکثرسازی سود شخصی خود هستند و تصمیم‌گیری‌هایشان براساس این هدف انجام می‌شود. بنابراین، افراد در مواجهه با گزینه‌های مختلف، سعی می‌کنند تا به حداکثر رساندن سود خود بپردازند. با توجه به رویکرد اقتصادی، می‌توان به شکل‌گیری و تکرار جرم نگاه جدیدتری داشت. برخلاف دیدگاه‌های سنتی که تکرار جرم را به عوامل فردی یا اجتماعی نسبت می‌دهند، رویکرد اقتصادی بر این باور است که تصمیمات فرد در مورد انجام یا عدم انجام یک جرم، بستگی به سود و زیان محتمل آن دارد. به عبارت دیگر، فرد در هنگام تصمیم‌گیری بین انجام یک جرم و عدم انجام آن، سعی می‌کند تا با تحلیل مزایا و معایب هر گزینه، به حداکثرسازی سود خود بپردازد. برای مثال، زمانی که یک فرد به علت فقر یا ناتوانی مالی، به‌سادگی نمی‌تواند امکانات و شرایط مناسب زندگی خود را تأمین کند، احتمال این که به فعالیت‌های جنایی روی بیاورد بالا است؛ زیرا در چنین شرایطی، فعالیت‌های جنایی ممکن است به نظر او به‌عنوان گزینه‌ای منطقی برای کسب درآمد به نظر برسد (لوپز و همکاران، ۲۰۱۸).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود نظریه‌های فوق از جنبه‌های مختلفی (اجتماعی، رفتاری، اقتصادی) به تبیین تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان پرداخته‌اند. با شناسایی عوامل مؤثر بر تکرار جرم با استفاده از روش فراتحلیل می‌توان به این مسئله پی برد که کدام یک از نظریه‌های فوق کاربرد بیشتری در تبیین مسئلهٔ تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در ایران دارند.

۳. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، فراتحلیل است. فراتحلیل مجموعه‌ای از روش‌های آماری، برای ترکیب نتایج کمی از چندین مطالعه، برای تولید یک خلاصهٔ کلی از دانش تجربی در حوزه‌ای خاص است (لیپسی و ویلسون، ۲۰۰۱). این روش در حوزه‌هایی از علم که انباشت دانش زیادی اتفاق افتاده، استفاده می‌شود تا تأثیر گروهی از عوامل را بر مورد خاص یا تأثیر عامل بر عامل دیگر را در تعدادی از تحقیقات بسنجند (لیتل و همکاران، ۲۰۰۸). در فراتحلیل، ابتدا موضوع انتخاب می‌شود، سپس

مسئله فرموله شده و مطالعاتی جمع‌آوری می‌شوند که با موضوع مرتبط بوده و همگی فرضیهٔ یکسانی را بررسی کرده‌اند. مشخصه‌های مطالعات کدگذاری و استخراج شده، آماره‌ها و میانگین و سایر داده‌های آماری به اندازهٔ اثر تبدیل می‌شود. اندازهٔ اثر آماره‌ای است که اهمیت اثر آزمایشی یا شدت رابطه بین دو متغیر را منعکس می‌کند. ابتدا اندازهٔ اثر هر مطالعه محاسبه می‌گردد و سپس اندازهٔ اثر مطالعات مختلف با هم مقایسه می‌شوند و در نهایت اندازهٔ اثر کلی رابطهٔ بین دو متغیر یا اثر آزمایشی در چند مطالعه محاسبه می‌شود تا دربارهٔ تأثیرگذاری آن اثر آزمایشی یا رابطه بین دو متغیر نتیجه‌گیری شود (بورنشتاین و همکاران، ۲۰۰۹). در نهایت، اندازهٔ اثرها با هم ترکیب شده و اندازه اثرهای ترکیب شده، تفسیر می‌شود.

جامعهٔ آماری پژوهش حاضر، کلیه تحقیقات با موضوع تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان است که در مجلات معتبر و پایان‌نامه‌ها از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۴۰۰ انجام شده است. شرط انتخاب مقالات هم پرداختن به موضوع تکرار جرم و بازگشت به زندان در موضوع تحقیقات است. در واقع، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدف‌مند در نهایت ۳۷ تحقیق (۸ مورد پایان‌نامه، ۲۹ مقاله) مرتبط با موضوع از مجلات و سایر منابع دیگر انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفتند.

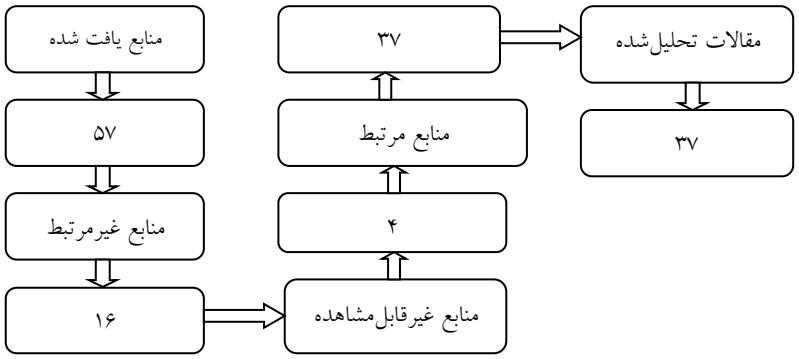

شکل ۱. فرایند انتخاب مطالعات در فراتحلیل

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

برای تحلیل اطّلاعات جمع‌آوری شده از پژوهش‌های مورد نظر، پس از کدگذاری، از نرم‌افزار جامع فراتحلیل برای انجام محاسبات آماری فراتحلیل استفاده گردید؛ بدین ترتیب که آزمون‌های آماری استفاده شده در فرضیه‌ها از طریق فرمول‌های ارائه شده توسط وولف پس از تبدیل به اندازهٔ اثر با ترکیب اندازه‌های اثر به روش هانتر و اشمیت مورد تحلیل قرار گرفتند. همچنین برای تفسیر اندازهٔ اثر از جدول کوهن (۲۰۱۳) بهره گرفته شد (مطابق جدول ۱).

جدول ۱. توزیع طبقات اندازهٔ اثر بر مبنای برآورد آماره‌ها

منبع: کوهن، ۲۰۱۳

معنی اندازه اثر	مقدار**r**	مقدار**d**
اندازه اثر کم	کمتر از ۰/۳	کمتر از ۰/۵
اندازه اثر متوسط	از ۰/۳ تا ۰/۵	از ۰/۵ تا ۰/۸
اندازه اثر زیاد	۰/۵ و بیشتر	۰/۸ و بیشتر

۴. یافته‌های پژوهش

قبل از برآورد اندازهٔ اثر کل، لازم است پیش‌فرض‌های فراتحلیل درخصوص همگنی این تحقیقات و سوگیری انتشار مورد بررسی قرار گیرد. برای ارزیابی همگنی تحقیقات انجام شده در مورد تکرار جرم و بازگشت به زندان، به‌منظور انتخاب مدل مناسب برای محاسبه اندازهٔ اثر کل از آزمون Q استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۲ قابل مشاهده است. با توجه به اینکه مقدار Q به‌دست آمده از آزمون (۹۲۱/۴۶۸) با درجهٔ آزادی ۳۶ در سطح ($p<۰/۰۰۱$) معنی‌دار است، می‌توان گفت که فرض ناهمگنی پژوهش‌های انتخاب شده، تأیید و فرض همگنی این تحقیقات رد می‌شود. با توجه به اینکه آزمون Q نسبت به تعداد اندازهٔ اثرها حساس است و با بالا رفتن تعداد اندازهٔ اثرها، توانایی آزمون برای پذیرش ناهمگنی می‌یابد، از آمارهٔ دیگری به نام مجذور I نیز در این آزمون استفاده می‌شود. دامنهٔ مقدار I از ۰ تا ۱۰۰ متغیر است. هر چه مقدار آماره به ۱۰۰ نزدیک‌تر باشد، بیانگر این

است که میان اندازهٔ اثرها ناهمگنی بیشتری وجود دارد. حال با توجه به اینکه مقدار مجذور I (۹۷/۰۲) که در جدول شمارهٔ ۲ قابل ملاحظه است، می‌توان گفت که تقریباً ۹۷ درصد از تفاوت‌های مشاهده شده بین اندازهٔ اثرها یا نتایج به‌دست آمده از تحقیقات، ناشی از ناهمگون بودن آنها است. بنابراین بایستی برای دستیابی به اندازهٔ اثر کل در بین پژوهش‌های مورد بررسی از مدل اثرات تصادفی استفاده شود.

جدول ۲. نتایج آزمون همگنی تحقیقات مرور شده

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

مقدار Q	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	مجذور I
۹۲۱/۴۶۸	۳۶	۰/۰۰۱	۹۷/۰۲

بررسی سوگیری انتشار در تحقیقات مورد بررسی از دیگر پیش‌فرض‌هایی است که در روش فراتحلیل مدنظر قرار می‌گیرد. در روش فراتحلیل برای اینکه بتوانیم یک اندازهٔ اثر نهایی مصون از خطا به دست آوریم، بایستی به همهٔ تحقیقاتی که در زمینهٔ موضوع یا مسئلهٔ مدنظر انجام شده‌اند، دسترسی داشته باشیم تا آنها را مورد ارزیابی قرار دهیم. عدم مطالعهٔ همهٔ این تحقیقات و ظهور دیگر خطاهای خاص، می‌تواند باعث شکل‌گیری مسئله‌ای شود که به آن خطا یا سوگیری انتشار گفته می‌شود. جهت بررسی عدم وجود خطای انتشار در روش فراتحلیل، از آزمون بگ و مزومدار[1] و N ایمن از خطا استفاده می‌شود. در جدول شمارهٔ ۳ نتیجهٔ آزمون همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار قابل مشاهده است. فرضیهٔ صفر در این آزمون بیانگر نبود سوگیری انتشار و فرض یک نشان‌دهندهٔ وجود سوگیری انتشار است. چنانچه سطح معنی‌داری آزمون بگ و مزومدار بالاتر از ۰/۰۵ باشد، فرض صفر تأیید می‌شود. در پژوهش حاضر، با توجه به سطح معنی‌داری حاصل شده برای این آزمون که بالاتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت که سوگیری انتشار وجود ندارد.

1. Begg and Mazumdar rank correlation

جدول ۳. نتایج حاصل از آزمون همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

شاخص آماری	مقدار ضریب همبستگی	Z-Value	سطح معنی‌داری	
			تک دامنه	دو دامنه
نتیجه	۰/۳۷	۱/۶۴	۰/۲۲۵	۰/۲۹۷

آزمون N ایمن از خطای روزنتال نیز تعداد مطالعات انجام نشده‌ای (مفقود) را برآورد می‌کند که بایستی به تحلیل‌ها افزوده شود تا عدم معنی‌داری آماری اثر نهایی حاصل شود. اطلاعات به‌دست‌آمده از این آزمون بیانگر آن است که باید ۴۸۶ تحقیق دیگر انجام شود تا مقدار P دوسویه ترکیب‌شده از ۰/۰۵ افزایش نیابد و تنها در این حالت است که در نتایج نهایی برآوردها و تحلیل‌ها خطا شکل می‌گیرد. مقدار آمارهٔ حاصل شده، بیانگر دقت و درستی چشمگیر نتایج به دست آمده در این پژوهش است.

جدول ۴. نتایج حاصل از محاسبه آزمون N ایمن از خطا

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

شاخص	مقدار
مقدار Z برای مطالعات مشاهده شده	۲۳/۱۲۵
مقدار P برای مطالعات مشاهده شده	۰/۰۰۱
آلفا	۰/۰۵۰
باقی‌مانده	۲
Z برای آلفا	۱/۹۸۸
تعداد مطالعات مشاهده شده	۳۶
تعداد مطالعات گم‌شده‌ای که مقدار P را به آلفا می‌رساند	۴۸۶

حال بعد از مداقه در پیش‌فرض‌های روش فراتحلیل و مورد تأیید قرار گرفتن استفاده از مدل اثرات تصادفی، در جدول شمارهٔ ۵ اندازهٔ اثر متغیرهای مورد بررسی در تحقیقات صورت گرفته در زمینهٔ تکرار جرم و بازگشت به زندان قابل ملاحظه است. اطلاعات این جدول بیانگر آن است که

در عوامل جمعیت‌شناختی، سن (۰/۲۲۳-)، وضعیت تأهل (۰/۱۹۰-)، میزان تحصیلات (۰/۱۸۰-) و جنسیت (۰/۱۱۰-) بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیر دارند. این بدین معنا است که با افزایش سن و میزان تحصیلات افراد از تکرار جرم و بازگشت به زندان کاسته می‌شود. همچنین تأثیر وضعیت تأهل و جنسیت افراد به گونه‌ای است که افراد متأهل و زن‌ها نسبت به افراد مجرد و مرد، کمتر مرتکب تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان می‌شوند. با بهره‌گیری از معیار کوهن (جدول ۱) می‌توان گفت که همهٔ مؤلفه‌های عوامل جمعیت‌شناختی در حد پایینی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیرگذارند.

در عوامل روانی، عزت نفس پایین (۰/۴۱۱)، احساس آنومی یا بی‌هنجاری (۰/۳۰۴) و احساس ناامیدی اجتماعی (۰/۲۷۰) بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیر دارند. این بدین معنا است که با کاهش عزت نفس افراد و افزایش احساس آنومی و ناامیدی اجتماعی در بین آنها، میزان تکرار جرم و بازگشت به زندان افزایش می‌یابد. با بهره‌گیری از معیار کوهن می‌توان گفت که مؤلفه‌های عزت نفس پایین و احساس آنومی در حد متوسط و مؤلفهٔ احساس ناامیدی اجتماعی در حد پایینی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیرگذارند.

در بین عوامل هویتی، هویت افتراقی (۰/۱۹۱)، هویت ضایع‌شده (۰/۱۷۰)، خوردن برچسب یا انگ اجتماعی مجرم (۰/۱۶۰) و هویت انحرافی (۰/۱۴۰) بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیر دارند. این بدین معنا است که با افزایش همنشینی‌های افترافی، هویت‌های ضایع‌شده، برچسب‌زنی اجتماعی و پذیرش هویت انحرافی در بین افراد، میزان تکرار جرم و بازگشت به زندان افزایش می‌یابد. با بهره‌گیری از معیار کوهن می‌توان گفت که همهٔ مؤلفه‌های عوامل هویتی در حد پایینی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیرگذارند.

در بین عوامل اقتصادی، احساس محرومیت نسبی (۰/۵۶۰)، بیکاری و اشتغال نامناسب (۰/۳۷۲)، وضعیت نامناسب اقتصادی (۰/۳۷۰) و میزان درآمد (۰/۲۱۳) بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیر

دارند. این بدین معنا است که با افزایش احساس محرومیت نسبی، بیکاری و نداشتن شغل مناسب، نامناسب بودن وضعیت اقتصادی و درآمدی فرد، میزان تکرار جرم و بازگشت به زندان افزایش می‌یابد. با بهره‌گیری از معیار کوهن می‌توان گفت که احساس محرومیت نسبی در حد بالا، بیکاری و اشتغال نامناسب و وضعیت نامناسب اقتصادی در حد متوسط و میزان درآمد در حد پایینی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیرگذارند.

در بین عوامل تعاملی- ارتباطی، سابقهٔ جرم در بین دوستان (۰/۳۹۰)، تبادل تجارب مجرمانه در زندان (۰/۳۶۳)، تعامل و ارتباط با افراد ناباب (۰/۱۸۰) و سابقهٔ عضویت در گروه‌های خلاف (۰/۱۴۲) بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیر دارند. این بدین معنا است که با افزایش مؤلفه‌های یاد شده، میزان تکرار جرم و بازگشت به زندان افزایش می‌یابد. با بهره‌گیری از معیار کوهن می‌توان گفت که مؤلفه‌های سابقهٔ جرم در بین دوستان و تبادل تجربه‌های مجرمانه در زندان در حد متوسط و مؤلفه‌های تعامل و ارتباط با افراد ناباب و سابقهٔ عضویت در گروه‌های خلافکار در حد پایینی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیرگذارند.

در عوامل فرهنگی، تعلق به خرده‌فرهنگ‌های مختلف (۰/۳۴۰)، شیوهٔ زندگی پرخطر (سوء مصرف مواد) (۰/۱۶۷) و دینداری (۰/۱۵۵-) بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیر دارند. این بدین معنا است که با افزایش تعلق فرد به خرده‌فرهنگ‌های منحرف و سبک زندگی مخاطره‌آمیز، میزان تکرار جرم و بازگشت به زندان افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش میزان دینداری افراد، از تکرار جرم افراد کاسته می‌شود. با بهره‌گیری از معیار کوهن می‌توان گفت که مؤلفهٔ تعلق به خرده‌فرهنگ منحرف در حد متوسط و مؤلفه‌های شیوهٔ زندگی پرخطر و دینداری در حد پایینی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیرگذارند.

در بین عوامل خانوادگی، وجود یک خانوادهٔ گسسته و نامناسب (۰/۳۰۱)، فضای نامناسب خانواده (۰/۲۹۰)، بحران عاطفی در خانواده (۰/۲۸۰) و عدم پذیرش خانواده (۰/۲۰۰)، بر تکرار جرم و

بازگشت به زندان تأثیر دارند. این بدین معنا است که با گسسته و نامناسب شدن خانواده و فضای آن، به وجود آمدن بحران‌های عاطفی در خانواده و عدم پذیرش فرد زندانی از سوی خانواده، میزان تکرار جرم افراد افزایش می‌یابد. با بهره‌گیری از معیار کوهن می‌توان گفت که مؤلفهٔ وجود یک خانواده گسسته و نامناسب در حد متوسط و مؤلفه‌های فضای نامناسب خانواده، بحران عاطفی در خانواده و عدم پذیرش فرد از سوی خانواده در حد پایینی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیرگذارند.

در عوامل کالبدی- محیطی، محل سکونت نامناسب (۰/۲۷۱)، محیط و فضای نامناسب زندان (۰/۲۳۵) و فرصت‌های مجرمانهٔ محیطی (۰/۱۱۴)، بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیر دارند. این بدین معنا است که هر چقدر محل سکونت فرد و محیط و فضای زندان نامناسب می‌شود و فرصت‌های مجرمانهٔ محیطی افزایش می‌یابد، تکرار جرم و بازگشت به زندان افزایش می‌یابد. با بهره‌گیری از معیار کوهن می‌توان گفت که همهٔ مؤلفه‌های عوامل کالبدی- محیطی در حد پایینی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیرگذارند.

در بین عوامل اجتماعی، پذیرش اجتماعی (۰/۳۲۰-)، اعتماد اجتماعی (۰/۲۸۰-)، مشارکت اجتماعی (۰/۲۷۰-)، حمایت اجتماعی (۰/۱۷۷-) و کنترل اجتماعی (۰/۱۲۰-)، بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیر دارند. این بدین معنا است که با افزایش پذیرش اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، حمایت اجتماعی و کنترل اجتماعی، تکرار جرم و بازگشت به زندان کاهش می‌یابد. با بهره‌گیری از معیار کوهن می‌توان گفت که مؤلفهٔ پذیرش اجتماعی در حد متوسط و مؤلفه‌های مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی و کنترل اجتماعی در حد پایینی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیرگذارند.

در عوامل مراقبتی پس از خروج، تسهیلات مالی برای خدمات تولیدی (۰/۳۳۱-)، به‌کارگیری توانایی زندانیان (۰/۳۰۲-)، ارائهٔ مشاوره پس از خروج از زندان (۰/۱۷۰-) و عضویت در گروه‌های

ورزشی (۰/۱۲۰-)، بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیر دارند. این بدین معنا است که با افزایش مؤلفه‌های یاد شده، تکرار جرم و بازگشت به زندان کاهش می‌یابد. با بهره‌گیری از معیار کوهن می‌توان گفت که مؤلفه‌های ارائهٔ تسهیلات مالی برای خدمات تولیدی و به‌کارگیری توانایی زندانیان در حد متوسط و مؤلفه‌های ارائهٔ مشاوره پس از خروج از زندان و عضویت در گروه‌های ورزشی در حد پایینی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیرگذارند.

جدول ۵. نتایج حاصل از اندازهٔ اثر مطالعات مرور شده

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

متغیر	مؤلفه‌ها	اندازه اثر (r)	انحراف معیار	Z-Value	P-Value
عوامل جمعیت‌شناختی	سن	-۰/۲۲۳	۰/۱۹۲	-۷/۰۱۹	۰/۰۰۱
	وضعیت تأهل	-۰/۱۹۰	۰/۱۷۹	-۸/۴۲۱	۰/۰۰۱
	میزان تحصیلات	-۰/۱۸۰	۰/۱۶۵	-۳/۶۵۴	۰/۰۰۱
	جنسیت	-۰/۱۱۰	۰/۱۴۱	-۹/۲۰۱	۰/۰۰۱
عوامل روانی	احساس منزلتی (عزت نفس پائین)	۰/۴۱۱	۰/۲۵۴	۱۰/۱۳۰	۰/۰۰۱
	احساس آنومی (بی‌هنجاری)	۰/۳۰۴	۰/۲۱۹	۵/۰۸۹	۰/۰۰۱
	احساس ناامیدی اجتماعی	۰/۲۷۰	۰/۲۳۱	۸/۶۰۳	۰/۰۰۱
عوامل هویتی	هویت افتراقی (همنشینی افتراقی)	۰/۱۹۱	۰/۱۸۱	۸/۸۴۲	۰/۰۰۱
	هویت ضایع‌شده	۰/۱۷۰	۰/۱۶۸	۸/۱۱۶	۰/۰۰۱
	برچسب اجتماعی خلافکار	۰/۱۶۰	۰/۱۶۵	۵/۵۴۳	۰/۰۰۱
	هویت انحرافی	۰/۱۴۰	۰/۱۵۲	۱۲/۰۲۴	۰/۰۰۱
عوامل اقتصادی	احساس محرومیت نسبی	۰/۵۶۰	۰/۳۴۴	۱۱/۳۱۳	۰/۰۰۱
	وضعیت نامناسب اقتصادی	۰/۳۷۰	۰/۲۵۳	۴/۷۱۲	۰/۰۰۱
	بیکاری و اشتغال نامناسب	۰/۳۷۲	۰/۲۵۶	۹/۵۷۴	۰/۰۰۱
	میزان درآمد	۰/۲۱۳	۰/۱۹۲	۴/۱۶۷	۰/۰۰۱
عوامل ارتباطی و تعاملی	سابقه جرم در بین دوستان	۰/۳۹۰	۰/۲۷۴	۱۰/۴۱۲	۰/۰۰۱
	تبادل تجارب مجرمانه در زندان	۰/۳۶۳	۰/۲۶۱	۷/۰۳۲	۰/۰۰۱

متغیر	مؤلفه‌ها	اندازه اثر (r)	انحراف معیار	Z-Value	P-Value
	تعامل و ارتباط با افراد ناباب	۰/۱۸۰	۰/۱۷۱	۵/۰۱۰	۰/۰۰۱
	سابقه عضویت در گروه‌های خلاف	۰/۱۴۲	۰/۱۵۵	۶/۷۵۲	۰/۰۰۱
عوامل فرهنگی	تعلق به خرده‌فرهنگ‌های مختلف	۰/۳۴۰	۰/۲۴۳	۴/۳۲۶	۰/۰۰۱
	شیوه زندگی پرخطر (سوء مصرف)	۰/۱۶۷	۰/۱۶۹	۱۱/۸۳۲	۰/۰۰۱
	دینداری	-۰/۱۵۵	۰/۱۶۲	-۴/۳۲۲	۰/۰۰۱
عوامل خانوادگی	خانواده گسسته و نامناسب	۰/۳۰۱	۰/۲۱۷	۹/۰۱۰	۰/۰۰۱
	فضای نامناسب خانواده	۰/۲۹۰	۰/۲۱۵	۱۱/۲۷۳	۰/۰۰۱
	بحران عاطفی خانواده	۰/۲۸۰	۰/۲۱۱	۴/۶۷۲	۰/۰۰۱
	عدم پذیرش خانواده	۰/۲۰۰	۰/۱۹۸	۶/۳۲۲	۰/۰۰۱
عوامل کالبدی- محیطی	محل سکونت نامناسب	۰/۲۷۱	۰/۲۲۳	۸/۵۱۵	۰/۰۰۱
	محیط و فضای نامناسب زندان	۰/۲۳۵	۰/۲۱۹	۳/۹۹۲	۰/۰۰۱
	فرصت‌های مجرمانه محیطی	۰/۱۱۴	۰/۱۴۲	۴/۸۰۲	۰/۰۰۱
عوامل اجتماعی	پذیرش اجتماعی	-۰/۳۲۰	۰/۲۳۱	-۵/۴۲۵	۰/۰۰۱
	اعتماد اجتماعی	-۰/۲۸۰	۰/۲۱۴	-۳/۹۹۰	۰/۰۰۱
	مشارکت اجتماعی	-۰/۲۷۰	۰/۲۲۲	۹-/۱۳۳	۰/۰۰۱
	حمایت اجتماعی	-۰/۱۷۷	۰/۱۶۸	-۸/۰۸۰	۰/۰۰۱
	کنترل اجتماعی	-۰/۱۲۰	۰/۱۷۱	-۷/۰۹۲	۰/۰۰۱
عوامل مراقبتی پس از خروج	تسهیلات مالی برای خدمات تولیدی	-۰/۳۳۱	۰/۲۳۸	-۶/۳۶۲	۰/۰۰۱
	به‌کارگیری توانایی زندانیان	-۰/۳۰۲	۰/۲۱۹	-۸/۱۲۴	۰/۰۰۱
	ارائه مشاوره پس از خروج از زندان	-۰/۱۷۰	۰/۱۶۲	-۷/۲۴۱	۰/۰۰۱
	عضویت در گروه‌های ورزشی	-۰/۱۲۰	۰/۱۶۹	-۸/۲۲۳	۰/۰۰۱

در جدول شمارهٔ ۶ به محاسبهٔ اندازهٔ اثر کلی متغیرهای مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت به زندان پرداخته شده است. اطلاعات این جدول بیانگر آن است که به‌ترتیب بیشترین متغیرهای تأثیرگذار بر تکرار جرم و بازگشت به زندان عبارتند از: عوامل اقتصادی (۰/۴۲۰)، عوامل خانوادگی (۰/۳۹۱)، عوامل اجتماعی (۰/۳۷۸-)، عوامل روانی (۰/۳۲۰)، عوامل کالبدی- محیطی (۰/۳۱۰)، عوامل مراقبتی پس از خروج (۰/۳۰۱-)، عوامل فرهنگی (۰/۲۷۰-)، عوامل هویتی (۰/۱۱۰)، عوامل جمعیتی (۰/۱۰۳-). با بهره‌گیری از معیار کوهن می‌توان گفت که تأثیر متغیرهای عوامل اقتصادی، عوامل خانوادگی، عوامل اجتماعی، عوامل روانی، عوامل کالبدی- محیطی و عوامل مراقبتی پس از خروج از زندان بر تکرار جرم و بازگشت به زندان در حد متوسط و تأثیر متغیرهای عوامل ارتباطی و تعاملی، عوامل فرهنگی، عوامل هویتی و عوامل جمعیتی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان در حد پایینی است.

جدول ۶. اندازهٔ اثر کل به‌دست‌آمده در زمینهٔ عوامل مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت به زندان

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

متغیرها	اندازهٔ اثر (r)	انحراف معیار	Z-Value	P-Value
عوامل اقتصادی	۰/۴۲۰	۰/۲۷۳	۱۰/۹۵۱	۰/۰۰۱
عوامل خانوادگی	۰/۳۹۱	۰/۲۵۸	۱۰/۴۱۰	۰/۰۰۱
عوامل اجتماعی	-۰/۳۷۸	۰/۲۳۴	-۱۰/۱۱۰	۰/۰۰۱
عوامل روانی	۰/۳۲۰	۰/۲۲۰	۸/۳۴۶	۰/۰۰۱
عوامل کالبدی یا محیطی	۰/۳۱۰	۰/۲۱۸	۸/۲۹۸	۰/۰۰۱
عوامل مراقبتی پس از خروج	-۰/۳۰۱	۰/۲۱۵	-۷/۸۹۴	۰/۰۰۱
عوامل ارتباطی و تعاملی	۰/۲۸۰	۰/۲۱۰	۷/۳۵۷	۰/۰۰۱
عوامل فرهنگی	-۰/۲۷۰	۰/۲۰۸	-۷/۱۴۵	۰/۰۰۱
عوامل هویتی	۰/۱۱۰	۰/۱۹۵	۵/۳۲۴	۰/۰۰۱
عوامل جمعیتی	-۰/۱۰۳	۰/۱۹۱	-۵/۱۱۰	۰/۰۰۱

۵. نتیجه‌گیری

تکرار جرم و بازگشت به زندان تحت‌تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی (۰/۴۲۰)، عوامل خانوادگی (۰/۳۹۱)، عوامل اجتماعی (۰/۳۷۸-)، عوامل روانی (۰/۳۲۰)، عوامل کالبدی- محیطی (۰/۳۱۰)، عوامل مراقبتی پس از خروج (۰/۳۰۱-)، عوامل فرهنگی (۰/۲۷۰-)، عوامل هویتی (۰/۱۱۰)، و عوامل جمعیتی (۰/۱۰۳-) به‌ترتیب بیشترین تأثیر را بر تکرار جرم و به‌تبع آن بازگشت مجدد به زندان دارند.

عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر تکرار جرم شامل مؤلفه‌های احساس محرومیت نسبی، بیکاری و اشتغال نامناسب، وضعیت نامناسب اقتصادی (فشارهای اقتصادی) و میزان درآمد است. فشارهای اقتصادی که بر افراد وارد می‌آید باعث ایجاد آشفتگی‌های روحی در آنها می‌شود و افراد را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد. همچنین افزایش میزان فقر و سایر مشکلات اقتصادی سبب شده است تا هزینهٔ فرصت فعالیت‌های مجرمانه به‌قدری کاهش یابد که افراد با در نظر گرفتن هزینهٔ دستگیری و مجازات و مقایسهٔ آن با سودی که از این فعالیت‌ها عایدشان می‌شود، به‌صورت آگاهانه مرتکب جرم شوند. در این باره، مرتن معتقد است در یک جامعهٔ باثبات، بین اهداف و ارزش‌های اجتماعی فرهنگی و راه‌های پذیرفته‌شده از سوی عامهٔ مردم برای دست‌یابی به آنها، تعادل وجود دارد. وقتی این رابطهٔ متعادل به هم بخورد، نظم اجتماعی از بین می‌رود و هرج‌ومرج به وجود می‌آید. این در حالی است که وضعیت اجتماعی و اقتصادی مناسب امکان برآورده شدن نیازهای زندگی از مسیرهای قانونی را برای افراد فراهم می‌آورد و احتمال وقوع جرم افراد را به طرز چشمگیری کاهش می‌دهد (سلیمانی‌مقام و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین افزایش بیکاری فرصت کسب درآمدهای قانونی را از افراد سلب می‌کند و این انگیزه را در آنها به‌وجود می‌آورد که به سمت اقدامات مجرمانه گام بردارند. علاوه بر این، هزینهٔ فرصت ارتکاب مجدد جرم برای یک فرد بیکار بسیار کمتر از یک فرد شاغل است، بنابراین احتمال تکرار جرم توسط افراد بیکار بالاتر است.

نابرابری درآمدی که از طریق عوامل مختلفی مانند بیکاری، گرانی، فشارهای اقتصادی و غیره ایجاد می‌شود، می‌تواند منجر به عواملی مانند فقر، ایجاد احساس محرومیت نسبی و غیره شود. این در حالی است که میل به موفقیت و برتری و علاقه به کسب قدرت و اهمیت از تمایلات طبیعی بشر است و حال اگر فردی در جامعه احساس کند که در شرایط ناعادلانه قرار دارد، دست به اعمالی می‌زند که در خلال آن بتواند خود را نشان دهد و برای دست‌یابی به حقی که برای او در نظر گرفته نشده، به سوی ارتکاب مجدد جرم کشیده شود. در این حالت فرد به امکانات و پاداش‌هایی که احساس می‌کند از او گرفته شده، متمرکز می‌شود و دست به جرم می‌زند.

عوامل خانوادگی با مؤلفه‌های وجود یک خانوادهٔ گسسته و نامناسب، فضای نامناسب خانواده، وجود بحران عاطفی خانواده و عدم پذیرش خانواده (عدم حمایت خانواده از فرد) نیز بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیر دارند. گسسته شدن پیوندهای عاطفی و روحی میان اعضای خانواده یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌ها در سوق یافتن به سمت تکرار جرم به‌ویژه در بین جوانان است. هر چند در بسیاری از خانواده‌ها، پدر و مادر دارای حضور فیزیکی هستند، اما متأسفانه حضور وجودی و معنوی آنان برای فرزندان محسوس نیست. در چنین وضعیتی، فرزندان به حال خود رها شده، ارتباط آنان با افراد مختلف بدون هیچ نظارت، ضابطه و قانون خاصی در خانواده صورت می‌گیرد. روشن است که چنین وضعیتی زمینه را برای خلأ عاطفی فرزندان فراهم می‌کند. در برخی از خانواده‌ها پدر، مادر و یا هر دو، بنا به دلایلی همچون طلاق و جدایی، مرگ والدین و غیره نه حضور فیزیکی دارند و نه حضور معنوی. در این‌گونه خانواده‌ها که با معضل طلاق و جدایی مواجه هستند، فرزندان پناهگاه اصلی خود را از دست داده، هیچ هدایت‌کننده‌ای در جریان زندگی نداشته و در پاره‌ای از موارد به دلیل نیافتن پناهگاه جدید، در دریای مواج اجتماع، گرفتار ناملایمات می‌شوند و چنین شرایطی موجب روی‌آوری فرد به جرم و یا تکرار جرم می‌شود. همچنین در این زمینه، هیرشی معتقد است که پیوند میان فرد و خانواده مهم‌ترین علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتار فرد است و ضعف این پیوند

یا نبود آن موجب اصلی کج‌رفتاری است. بنابراین کنترل جرم با تعلقات افراد نسبت به والدین و خانواده پیوند می‌خورد و زمانی که پیوند میان فرد و خانواده ضعیف یا گسسته گردد و فرد از سوی خانواده مورد پذیرش واقع نشود، احتمال تکرار جرم وجود دارد.

عوامل اجتماعی با مؤلفه‌های پذیرش اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، حمایت اجتماعی و کنترل اجتماعی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیر دارند. امروزه با توجه به افزایش جرایم در جامعه یکی از عوامل مؤثر بر طرد اجتماعی یا عدم پذیرش فرد در جامعه، برچسب مجرم به اوست، ذهنیت جامعه از جرم و مجرم یک ذهنیت مناسب نیست و همواره جامعه سعی در طرد مجرمان داشته است. همکاری و همفکری نکردن جامعه با یک مجرم، نپذیرفتن او در جمع، نپذیرفتن او در یک شغل و غیره اینها از جمله عواملی هستند که باعث طرد مجرم از جامعه و زمینه‌ساز ارتکاب مجدد جرم می‌شود. همچنین چگونگی برخورد دوستان، افراد فامیل و همسایگان با فرد منحرف، در نوع نگاه متقابل وی با دیگران تأثیر بسزایی دارد. در مجموع، اگر این برخوردها قهرآمیز و به صورت طرد فرد از محیط اجتماعی باشد، جدایی وی از جامعه سرعت بیشتری می‌یابد. این نوع برخورد، همواره به‌عنوان هزینهٔ ارتکاب هر جرمی مدنظر است. در واقع، هر اندازه مداخلات اجتماعی بتواند منابع حمایت اجتماعی افراد آزاد شده از زندان را ارتقا داده و تقویت کنند به همان میزان می‌توان انتظار کاهش گرایش این افراد به تکرار جرم باشیم؛ چراکه، تجربهٔ زندان برای افراد زندانی با از دست دادن بخش بزرگی از حمایت‌های نظام خانواده، شبکهٔ اجتماعی، دوستان و آشنایان همراه است که با افزوده شدن ضعف حمایت‌های رسمی به آنها، مجازات‌های اجتماعی مضاعفی را به این افراد تحمیل می‌کند. در چنین شرایطی و با طرد اجتماعی صورت‌گرفته از سوی منابع مختلف اجتماعی، طبیعی است که افراد آزاد شده از زندان برای رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی خود به سمت ضدارزش‌ها و شبکه‌های ضداجتماعی سوق پیدا کنند و بدین ترتیب، مقدمات و شرایط تکرار جرم آنها فراهم شود. علاوه بر این، میزان مشارکت افراد در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی یکی دیگر از

مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تکرار جرم است. در این زمینه هیرشی معتقد است کسانی که گرفتار کار، زندگی خانوادگی، سرگرمی و غیره هستند، معمولاً فرصت کمتری برای درگیر شدن در رفتارهای کجروانه دارند. درعین‌حال به نظر او همین مشارکت، فرد را در معرض انواعی از اهرم‌های کنترل اجتماعی قرار می‌دهد که افراد مرتبط با او، بر او اعمال می‌کنند. به همین نحو، آشکار است کسانی که در فعالیت مرسوم و متعارف جامعه مشارکت ندارند، فرصت و آزادی عمل بیشتری نیز برای دست یازیدن به رفتارهای کجروانه می‌یابند.

عوامل روانی تأثیرگذار بر تکرار جرم شامل مؤلفه‌های احساس منزلتی (عزت نفس پایین)، احساس آنومی و احساس ناامیدی اجتماعی است. مؤلفه‌های یاد شده به نوعی بیانگر مفهوم احساس بیگانگی است. احساس بیگانگی بیانگر بریدگی فرد از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی و جدایی وی از دیگر افراد جامعه است. در واقع، احساس بیگانگی نوعی احساس جدایی و نبود پیوندهای عینی (رفتاری) و ذهنی (شناختی) میان فرد و جامعه است که منجر به پدیدار شدن وضعیتی می‌شود که فرد در روابط خود با دیگر اعضای جامعه به شکل‌های مختلفی احساس بی‌هنجاری، ناامیدی اجتماعی، انزوا، عدم اعتماد به نفس و تنفر می‌کند. احساس بیگانگی فرد از جامعه چنان حائز اهمیت است که بسیاری از آسیب‌های اجتماعی همچون اعتیاد و سرقت با احساس بیگانگی رابطه دارند. در شرایطی که افراد یک جامعه احساس بیگانگی کنند، توسعه و پویایی فرهنگی و اجتماعی در آن جامعه متوقف می‌شود و جامعه تا حد زیادی مستعد افزایش آسیب‌های اجتماعی می‌شود. در این شرایط، کنش‌های بهنجار افراد مختل می‌شود و افراد دچار بی‌هنجاری، ناامیدی، بی‌قدرتی و ناکامی می‌شوند، تعهد و همبستگی و انسجام اجتماعی محدود شده، فردگرایی (ترجیح منافع فردی به اجتماعی) افزایش می‌یابد و در نهایت افراد دچار گسیختگی و بیزاری فرهنگی و اجتماعی (که یکی از نمودهای آن ارتکاب رفتارهای مجرمانه است) می‌شوند.

عوامل کالبدی یا محیطی نیز با مؤلفه‌های محل سکونت نامناسب، محیط و فضای نامناسب زندان و فرصت‌های مجرمانه محیطی عاملی تأثیرگذار بر تکرار جرم و بازگشت به زندان است. در تحلیل این یافته با استفاده از نظریهٔ ساترلند می‌توان گفت که در جامعه‌ای که دارای خرده‌فرهنگ‌های گوناگون است، برخی از محیط‌های اجتماعی معمولاً مشوق فعالیت‌های غیرقانونی هستند، در صورتی که محیط‌های دیگر چنین نیستند. زندگی در برخی از محله‌ها و مناطق شهر، سبب گرایش به جرایم خاص از قبیل سرقت، توزیع و مصرف مواد مخدر، نزاع، روابط نامشروع وغیره می‌شود. محله‌های مورد بحث از لحاظ امکانات رفاهی و بهداشتی وضعیت اسفباری دارند. زندگی در این محله‌های جرم‌خیز معمولاً با بیکاری، فقر، بی‌سوادی، و فقدان تخصص همراه است. افراد در اثر ایجاد ارتباط با کسانی که حامل هنجارهای تبهکارانه هستند، بزهکار یا مجرم می‌شوند. همچنین قرار گرفتن در کنار مجرمان سابقه‌دار و عدم تفکیک بین زندانیان مختلف مهم‌ترین عامل در بروز آشنایی افراد به‌ویژه افراد تازه‌وارد به زندان و یاد گرفتن شگردها و شیوه‌های مجرمانه است که در تکرار جرم بسیار مؤثر است. درواقع، خود زندان، برای بسیاری از زندانیان به دلیل تجربیات منفی که از محیط زندان کسب می‌کنند، بسیار مخرب و ناامیدکننده است؛ زیرا کافی نبودن اقدامات اصلاحی و بازپروری زندانیان به معنای آن است که آنها به هنگام ترک زندان درمقایسه با زمان ورودشان آمادگی بیشتری برای ارتکاب مجدد جرم دارند. به بیان دیگر، عوامل کالبدی و محیطی همگام با عوامل ارتباطی و تعاملی (تبادل تجارب مجرمانه در زندان، تعامل و ارتباط با افراد ناباب و مجرم در زندان و بیرون از زندان و...) باعث افزایش یادگیری اجتماعی افراد در زمینهٔ جرم می‌شوند.

عوامل مراقبتی پس از خروج با مؤلفه‌های تسهیلات مالی برای خدمات تولیدی، به‌کارگیری توانایی زندانیان، ارائهٔ مشاوره پس از خروج از زندان و عضویت در گروه‌های ورزشی نیز عاملی مؤثر در عدم تکرار جرم افراد هستند. در واقع، هر چه تسهیلات مالی ارائه‌شده از سوی سازمان‌ها و ارگان‌ها و به‌خصوص از سوی سازمان زندان‌ها برای زندانیان، پس از خروج بیشتر باشد و در کنار

ارائهٔ تسهیلات مالی، ارائهٔ مشاورهٔ شغلی، نظارت، راهنمایی و پیگیری با دقت بیشتری اعمال شود، انگیزهٔ اشتغال، تولید، درآمدزایی و خدمت به خانواده در زندانیان بیشتر می‌شود و بدین ترتیب زمینه و امکان ارتکاب مجدد جرم کمتر می‌شود. همچنین هر چه از توانایی‌ها و مهارت‌های زندانیان در زمینهٔ تولید، ورزش و غیره در محیط بیرون از زندان بهره گرفته شود، اوقات فراغت آنها کمتر شده و انرژی آنها صرف امور تولیدی و خدماتی می‌شود و بدین ترتیب زمینه و امکان ارتکاب مجدد جرم کمتر می‌شود. علاوه بر این، عضویت در گروه‌های ورزشی، انجام تمرینات ورزشی، روحیهٔ رقابت، یافتن دوستان سالم در گروه‌های ورزشی، صرف انرژی در باشگاه‌های ورزشی و در نهایت خستگی حاصل از ورزش می‌تواند بزرگ‌ترین مانع در مقابل بروز و ارتکاب جرم باشد.

عوامل فرهنگی نیز ازجمله عواملی هستند که از طریق مؤلفه‌های تعلق به خرده‌فرهنگ‌های مختلف منحرف، شیوهٔ زندگی پرخطر (سوءمصرف مواد و سابقهٔ اعتیاد قبل از زندانی‌شدن) و دینداری در تکرار جرم نقش دارند. مصرف مواد مخدر از سویی مستلزم برخوردهای مکرر و آشنایی با افراد مجرم و خلافکار و حتی بازگشت دوباره به کانون‌های جرم و خلاف پس از آزادی از زندان و در نتیجه مشارکت در اعمال مجرمانه و یا تکرار جرائم قبلی است و از سوی دیگر، این احتمال وجود دارد که افراد جهت تهیه و فراهم نمودن مواد مخدر مصرفی خود دست به خلاف و اعمال منافی قانون زده و در نهایت دوباره زندانی شوند. در واقع، افراد معتاد به دلیل عدم تمکین مالی و برای به دست آوردن هزینهٔ مواد مخدر دست به سرقت‌های پی‌درپی می‌زنند و همین امر موجب می‌شود که آنها مستعد بازگشت مجدد به زندان باشند.

در بین عوامل فرهنگی، دینداری نقش مهمی در کاهش ارتکاب مجدد جرم دارد. دینداری و پایبندی به ارزش‌های مذهبی از طریق ایجاد یک نظم اخلاقی و مبنا شدن برای تدوین قوانین اجتماعی، مانع مهمی در ارتکاب جرم و رفتارهای انحرافی است. نظام اخلاقی تدوین شده براساس ارزش‌های دینی، به‌وضوح بر هنجارهایی تأکید می‌کند که برای رفتارهای فردی و اجتماعی انسان

حد و حدود تعیین می‌کند. دین و مذهب قواعد اخلاقی خاصی را به‌منظور کنترل خویشتن و عفت از قبیل انجام رفتارهای مجرمانه در اختیار فرد قرار می‌دهند. همچنین، دینداری به تسهیل تجربهٔ معنوی کمک می‌کند و تجربهٔ معنوی می‌تواند تعهدات اخلاقی را تحکیم بخشد که این نیز به نوبهٔ خود مانع از ارتکاب مجدد جرم می‌شود. علاوه بر این، شرکت در فعالیت‌ها و مراسم مذهبی می‌تواند به‌عنوان یک مهارت مقابله‌ای در برابر تنش‌گرهای زندگی که فرد را به سمت رفتارهای انحرافی سوق می‌دهند، عمل کند.

درخصوص نقش عوامل هویتی هم می‌توان گفت که جامعه از طریق برچسب زدن به افراد مجرم و زندانی، نقش مهمی در ارتکاب مجدد جرم دارد؛ به‌طوری‌که برچسب رسمی توسط مقامات رسمی، مانند پلیس و قاضی، و نیز برچسب اجتماعی، مانند طرد از خانواده و جمع دوستان، و نیز برچسب وضع ظاهری از سوی مردم و پلیس، و برچسب شغلی، از سوی کارفرمایان، منجر به واکنشی در فرد مجرم شده که چاره‌ای جز پذیرش تصویر مجرمانه و هویت انحرافی و روی آوردن به همگنان نداشته و در نتیجه، بازگشت به زندان را در پی دارد.

در انتها مشخص شد که عوامل جمعیت‌شناختی (سن، جنسیت، وضع تأهل، میزان تحصیلات) نیز هر چند ضعیف بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تأثیر دارند. یافته‌های پژوهش نشان داد که با افزایش سن، از تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان کاسته می‌شود. این یافته می‌تواند به این علت باشد که به‌طور کلی، جوانان دارای روحیهٔ قانون‌گریزی و ماجراجویی بوده و خطرپذیرتر هستند، بنابراین انگیزهٔ بیشتری برای مشارکت در جرم نسبت به دیگر گروه‌های سنی در آنها وجود دارد. همچنین براساس یافته‌های مطالعهٔ حاضر، احتمال ارتکاب مجدد جرم در افراد مجرد و بازگشت آنها به زندان نسبت به افراد متأهل بیشتر است. این یافته را می‌توان این‌گونه توجیه نمود که مجرد بودن باعث کاهش وابستگی عاطفی و تعلق خاطر فرد نسبت به خانواده و جامعه شده و این امر موجب می‌شود خود را در ارتکاب جرم آزاد بداند. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که افراد مجرد بیشتر از

افراد متأهل تمایل به ارتکاب جرم دارند ؛زیرا به واسطهٔ تضعیف پیوندهایشان با خانواده و جامعه از احساس پاسخگویی به انتظارات دیگران سربازمی‌زنند و مرتکب رفتارهای مجرمانه می‌شوند. در خصوص نقش تحصیلات هم می‌توان گفت که آموزش و سطح سواد بالا از طرق مختلف بر انگیزهٔ ارتکاب جرم مؤثر است. این عامل از یک سو رفتار اجتماعی افراد را قاعده‌مند نموده و از طریق رشد، بهره‌وری و سطح درآمد آنان را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر تمایل جامعه به استفاده از توان فکری و مدیریتی نیروهای متخصص و آموزش دیده، افراد تحصیل‌کرده را به مشارکت در فعالیت‌های قانونی تشویق می‌نماید و هزینهٔ ارتکاب جرم را برای آنان بیشتر می‌کند که در نتیجهٔ این عوامل، انتظار می‌رود انگیزهٔ ارتکاب جرم در بین افراد با سواد و تحصیل‌کرده نسبت به افراد کم‌سواد یا بی‌سواد کمتر باشد، یعنی آموزش بیشتر نرخ زندانی شدن را در جامعه کاهش می‌دهد. علاوه بر این، وجود تفاوت‌های زیستی و تربیتی در مردان و زنان، انتظارات فرهنگی و اجتماعی متفاوت و آزادی بیشتر مردان و افراد مجرد، احتمال امکان ارتکاب تکرار جرم را در مردان نسبت به زنان افزایش می‌دهد.

اولین راهکار برای کاهش تکرار جرم، تأمین امکانات و فرصت‌های شغلی برای افرادی است که در گذشته به ارتکاب جرم متهم شده‌اند. اشتغال به‌عنوان یک عامل مهم در انگیزه و پشتیبانی اقتصادی فرد مؤثر است و می‌تواند به آسان‌تر شدن فرآیند بازگشت به جامعه برای افراد محروم کمک کند. بنابراین، سازمان‌ها و نهادهای مختلف باید برنامه‌ها و پروژه‌های مشغولیت اجتماعی را ترویج کنند و فرصت‌های شغلی برای افراد با گذشت جنایی فراهم آورند. یکی دیگر از راهکارهای اصلی برای کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان، ارائهٔ برنامه‌های توانمندسازی و آموزشی به مجرمان است. این برنامه‌ها می‌توانند شامل آموزش حرفه‌ای، مهارت‌های اجتماعی، مدیریت هیجانات و مهارت‌های زندگی باشند. با ارائهٔ این برنامه‌ها، مجرمان قادر به یادگیری مهارت‌های جدید و بهبود وضعیت شخصی خود خواهند بود که می‌تواند به کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان

کمک کند. ارائهٔ خدمات پس از آزادی به مجرمان از دیگر راهکارهای کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان است. این خدمات می‌تواند شامل پشتیبانی مالی، مسکن، خدمات بهداشتی و روان‌شناختی و همچنین فرصت‌های شغلی باشد. با فراهم کردن این خدمات، افراد پس از آزادی قادر به شروع یک زندگی جدید و پایدارتر خواهند بود که می‌تواند از بازگشت آن‌ها به فعالیت‌های جنایی جلوگیری کند. علاوه بر این، بهبود شرایط زندان‌ها و فراهم کردن بستر مناسب برای توانمندسازی زندانیان نقش مؤثری در کاهش تکرار جرم دارد.

کتابنامه

۱. آشوری، م. (۱۳۹۴). *جایگزین‌های زندان یا مجازات بینابین*. تهران: انتشارات گرایش.

۲. احمدی، ق. (۱۳۹۰). *بررسی تطبیقی عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر میزان بازگشت مجدد زندانیان به زندان (مقایسه بین زندانیان شهر کرمانشاه و سنندج*. پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی، گروه مددکاری اجتماعی.

۳. بهروان، ح؛ و بهروان، ن. (۱۳۹۰). تبیین جامعه‌شناختی بازگشت به زندان با تأکید بر نظریهٔ برچسب، *مجلهٔ علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۹(۱)، ۶۱-۲۳.

٤. بوستانی، ا. (۱۳۹۱). *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بازگشت مجدد به زندان و تکرار جرم مردان با تأکید بر اثر زندان (مورد مطالعه: زندان مرکزی یاسوج در سال ۹۱-۱۳۹۰)*. پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد، دانشگاه پیام نور تهران، دانشکدهٔ علوم اجتماعی، گروه جامعه‌شناسی.

٥. حاتمی‌خواجه، ن. (۱۳۸۷). *جامعه‌پذیری زندانیان*. مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی کاهش استفاده از مجازات زندان. تهران: راه تربیت.

٦. حیدری، ح. ر؛ اوستاد، م. ر؛ و نیازمند، ح. (۱۳۹۲). شناخت عوامل مؤثر در تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد به زندان (مطالعه موردی زندان مرکزی بوشهر). *ماهنامهٔ اصلاح و تربیت*، ۱۹(۱۴۱)، ۸-۳.

۷. حیدری، ص. (۱۳۸۹). بررسی تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در میان زندانیان شهرستان آمل. *ماهنامهٔ اصلاح و تربیت*، *۱۶*(۹۹)، ۱۷-۸.

۸. روشن‌پور، م؛ محسنی، ر. ع؛ و آقاجانی، ح. (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی عوامل طرد اجتماعی زندانیان زن و اثر آن بر چرخهٔ بازگشت به زندان (مورد مطالعه زندان‌های استان لرستان). *پژوهش‌نامهٔ زنان*، *۱۱*(۴)، ۳۵-۱.

۹. سلیمانی‌مقام، ی؛ نادمی، ی؛ و چگنی، م. (۱۳۹۹). تأثیر شاخص فلاکت بر میزان ارتکاب جرائم در استان‌های ایران. *تحقیقات مدلسازی اقتصادی*، *۱۱*(۴۲)، ۱۸۶-۱۵۷.

۱۰. شیخ‌نظرسلامی، ح. ر؛ سجادی، ع. ا؛ خداشاهی، ع. ا؛ و دلیریساولی، ف. (۱۳۹۳). تأثیر اعتیاد بر تکرار جرم و بازگشت مجدد (مطالعه موردی کانون‌های اصلاح و تربیت استان‌های خراسان شمالی و رضوی). *ماهنامهٔ اصلاح و تربیت*، *۲۰*(۱۴۶)، ۱۰-۶.

۱۱. صنعت‌خواه، ع؛ کمالی، م. ج؛ فاتحی‌راد، ن؛ و ترکی‌ده سعید، ح. (۱۴۰۰). مطالعهٔ زمینه‌های اجتماعی مؤثر در بازگشت مجدد به زندان با استفاده از استراتژی داده بنیاد. *انتظام اجتماعی*، *۱۳*(۱)، ۸۲-۵۵.

۱۲. غلامی، ح. (۱۳۸۷). *تکرار جرم: بررسی حقوقی- جرم‌شناختی*. تهران: انتشارات میزان.

۱۳. قلخانباز، ا؛ خزایی، س؛ افشاری، م؛ سهیلی‌زاد، م؛ و فرازی، ر. (۱۳۹۱). عوامل مرتبط با تکرار زندانی شدن در بین زندانیان شهر تویسرکان در سال ۱۳۹۱. *مجلهٔ پزشکی قانونی*، *۱۹*(۴)، ۱۹۲-۱۸۵.

۱۴. کفاشی، م؛ و اسلامی، ع. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در استان خراسان شمالی. *پژوهش اجتماعی*، ۲(۴)، ۶۹-۵۷.

۱۵. مهدوی، ر؛ و پاکیده، ف. ا. (۱۳۸۷). بررسی علل و عوامل خانوادگی و اجتماعی در بازگشت مجدد به زندان. *ماهنامهٔ اصلاح و تربیت*، *۱۴*(۸۲)، ۱۸-۱۳.

۱۶. مهدی‌پور، م؛ کندری، ا؛ و سیفی‌قره‌یتاق، د. (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت به زندان در بین زندانیان سیستان و بلوچستان. *فصلنامهٔ پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، *۱۶*(۶۴)، ۸۶-۵۹.

۱۷. مهرپور، ش. (۱۳۸۷). نقش مراقبت‌های بعد از خروج در پیشگیری از بزهکاری مجدد زندانیان. *ماهنامهٔ اصلاح و تربیت*، *۱۴*(۷۲)، ۵۵-۵۴.

۱۸. ناصری، س؛ مکاریان فرگ، ز؛ و حضرتی، س. (۱۳۹۷). بررسی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر عدم بازگشت به زندان در بین زندانیان استان خراسان جنوبی. *پژوهش‌های انتظامی اجتماعی*، ۱۰(۳)، ۴۹-۲۷.

۱۹. وروایی، ا؛ و پرنداخ، ع. (۱۳۹۵). بررسی عواملی اجتماعی مؤثر بر تکرار جرم (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه). *علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، ۱۰(۳)، ۲۸-۱.

۲۰. یعقوبی، م؛ و علمی، م. (۱۳۹۶). نقش عوامل خانوادگی و اجتماعی در بازگشت مجدد زندانیان به زندان. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۹(۳۵)، ۲۳-۷.

21. Apel, A. B., & Diller, J. W. (2017). Prison as punishment: A behavior-analytic evaluation of incarceration. *The Behavior Analyst*, *40*, 243-256.
22. Bernburg, J. G. (2019). Labeling theory. *Handbook on crime and deviance*. New York: Springer.
23. Bernburg, J. G., Krohn, M. D., & Rivera, C. J. (2006). Official labeling, criminal embeddedness, and subsequent delinquency: A longitudinal test of labeling theory. *Journal of research in crime and delinquency*, *43*(1), 67-88.
24. Borenstein, M., Hedges, L. V., Higgins, J. P., & Rothstein, H. R. (2021). *Introduction to meta-analysis*. New York: John Wiley & Sons.
25. Bowman, S. W., & Travis Jr, R. (2012). Prisoner reentry and recidivism according to the formerly incarcerated and reentry service providers: A verbal behavior approach. *The Behavior Analyst Today*, *13*(3-4), 9-20.
26. Brunton-Smith, I., & Hopkins, K. (2013). The factors associated with proven re-offending following release from prison: findings from Waves 1 to 3 of SPCR. *Results from the surveying prisoner crime reduction (SPCR) longitudinal cohort study of prisoners*.
27. Cohen, J. (2013). *Statistical power analysis for the behavioral sciences*. New York: Academic press.
28. Gaum, G., Hoffman, S., & Venter, J. H. (2006). Factors that influence adult recidivism: An exploratory study in Pollsmoor prison. *South African Journal of Psychology*, *36*(2), 407-424.
29. Gendreau, P., Cullen, F. T., & Goggin, C. (1999). *The effects of prison sentences on recidivism* (pp. 4-5). Ottawa: Solicitor General Canada.

30. Jacobs, L. A., Ashcraft, L. E., Sewall, C. J., Wallace, D., & Folb, B. L. (2022). Recidivism in context: A meta-analysis of neighborhood concentrated disadvantage and repeat offending. *Criminal Justice and Behavior*, *49*(6), 783-806.
31. Lipsey, M. W., & Wilson, D. B. (2001). *Practical meta-analysis*. SAGE publications, Inc.
32. Littell, J. H., Corcoran, J., & Pillai, V. (2008). *Systematic reviews and meta-analysis*. Pocket Guide to Social Work Re.
33. Lopez, A., Moreira, N., Rivera, A., Amdouni, B., Espinoza, B., & Kribs, C. M. (2018). *Economics of Prison: Modeling the Dynamics of Recidivism*. Tech. rep., Arizona State University.
34. Mbuba, J. M. (2012). Lethal rejection: Recounting offenders' experience in prison and societal reaction post release. *The prison journal*, *92*(2), 231-252.
35. Mohammed, H., & Mohamed, W. A. W. (2015). Reducing recidivism rates through vocational education and training. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *204*, 272-276.
36. Orlando, M. S., Farrington, D. P., & Jolliffe, D. (2023). Empathy and repeat offending of young offenders in Argentina. *International Journal of Comparative and Applied Criminal Justice, 47*(3), 221-233.
37. Petersen, K., Davis, R. C., Weisburd, D., & Taylor, B. (2022). Effects of second responder programs on repeat incidents of family abuse: An updated systematic review and meta-analysis. *Campbell systematic reviews, 18*(1), e1217.
38. Sanei, M., & Mir-Khalili, S. M. (2015). Factors affecting recidivism and return to prison male prisoners in the prisons of the west of Guilan and strategies for prevention. *Journal of Scientific Research and Development*, *2*(2), 156-161.
39. Staton-Tindall, M., Harp, K. L., Winston, E., Webster, J. M., & Pangburn, K. (2015). Factors associated with recidivism among corrections-based treatment participants in rural and urban areas. *Journal of Substance Abuse Treatment*, *56*, 16-22.
40. Tassoni, G., Cippitelli, M., Mirtella, D., Froldi, R., Ottaviani, G., Zampi, M., & Cingolani, M. (2016). Driving under the effect of drugs: Hair analysis in order to evaluate recidivism. *Forensic science international*, *267*, 125-128.
41. Trood, M. D., Spivak, B. L., & Ogloff, J. R. (2022). The effects of judicial supervision on recidivism of offenders in Australia and New Zealand: a systematic review and meta-analysis. *Psychiatry, Psychology and Law, 29*(5), 651-678.
42. Zane, S. N., Pupo, J. A., & Welsh, B. C. (2023). Correctional treatment as an economically sound approach to reducing the high costs of recidivism: A review of the research. *Criminal Behaviour and Mental Health*, *33*(2), 125-138.